

پژمان

سال سوم

خرداد ۱۳۳۹

شماره سوم

سعيد شيسی استاد دانشگاه

انكشافات تازه باستان شناسی

در آسیای مرکزی

فرهنگستان علوم اتحاد شوروی و انستیتوها و سازمانهای فرهنگی دیگر آن کشور هر سال هیئت های علمی مختلف برای حفريات و انكشافات باستان شناسی بنواحی دورو نزدیک کشور پهناور شوروی می فرستند . باستان شناسان شوروی نه تنها آخرین وسایل علمی و عملی جدید را در اختیار خود دارند بلکه از مساعدت کامل دولت هم بر خوردار میشوند و بهمین جهت میتوانند از حفريات و انكشافات خود برای بررسیهای علمی در تاریخ تمدن و حقایق زندگی گذشته هر يك از جمهوریهای شوروی بهره مند شوند .

یکی از اصول علمی که باستان شناسان شوروی در بررسیهای خود کاملاً مسجری میدارند اصولیست که مرحوم نیکالای مارخاورشناس معروف شوروی وضع کرده و بیافیسیم یا یافشی معروفست . این اصول ماررا در انستیتوی تاریخ تمدن مادی کاملاً تجربه کرده اند و این انستیتو هم قسمت عمده کارهای باستان شناسی را بعهده دارد .

مار در زمینه باستان شناسی کارهای فراوان کرده و یادگارهای مهم از خود گذاشته است . سرمشقی که وی بیباستان شناسان داده اینست که باید هر مسئله ای را از هر طرف مورد مطالعه قرار داد و در ضمن اینکه باستان شناس از فن خود استمداد میکند از زبان شناسی و اتنوگرافی یعنی مردم شناسی و اتنروپولوژی یا انسان شناسی و تاریخ هم باید مدد بگیرد . اینک همه باستان شناسان شوروی سرمشق این استاد بزرگ را دنبال میکنند و روش جدیدی که برای پیروی از همان اصول در انستیتوی تاریخ تمدن مادی پیش گرفته اند

عبارت از اینست که باستان‌شناسی را با علوم دیگر مانند پالئو بوتانیک **Paléobotanique** و پالئوتولوژی یا دیرینه‌شناسی و زمین‌شناسی و معرفت طبقه سطحی زمین و علوم دیگری که با آن مربوطند توأم کنند.

در نتیجه شاید بتوان گفت که اینک بسیاری از دوره‌های تاریخ قدیم نواحی اتحاد جماهیر شوروی و مخصوصاً دوره‌هایی که هنوز خطی اختراع نشده بود کاملاً روشن شده است. چنانکه در سالهای اخیر تاریخ عهد حجر و عهد مفرغ و اعصار بعد از آن در نواحی مختلف این کشور وسیع بدین وسیله معلوم شده.

باستان‌شناسی شوروی بتاریخ زمان قدیم و قرون وسطی نیز خدمت بسیار کرده است مخصوصاً در سرزمینهایی که قهر و غلبه اقوام مختلف آبادیها را ویران کرده و سپس آب و هوای آن نواحی آثار آنها را از میان برده است. آسیای مرکزی که قرنهای متعددی مرکز تمدن بوده و غلبه بیگانگان آثار آن تمدن را از میان برداشته همین حالت را دارد و چون تمدن آن پیوستگی کامل با تمدن ایران دارد آنچه باستان‌شناسان شوروی درین سرزمین کشف کرده‌اند دارای اهمیت مخصوصی برای تاریخ تمدن ایرانست.

از ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ که مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در اتحاد جماهیر شوروی ترقی بسیار کرد چندین هیئت علمی بزرگ بنواحی مختلف آسیای مرکزی رفتند و مطالب بسیار جالبی کشف کردند که در روشن کردن تاریخ ملل آسیای مرکزی اهمیت فراوان دارد. درین میان نتیجه کارهای هیئتی که بخوارزم رفته و هیئت دیگری که در تاجیکستان کار کرده اهمیت خاصی برای ما ایرانیان دارد.

۶ - در سرزمین خوارزم

نخست می‌پردازم بشرح آنچه در خوارزم کشف کرده‌اند. فرهنگستان علوم شوروی هیئتی بآن سرزمین فرستاد و بنگاههای علمی دیگر چه در مرکز و چه در محل با آن هیئت همکاری داشت.

پیش از آن کسی اطلاع درباره تمدن قدیم خوارزم نداشت و تنها اطلاعات پراکنده در کتابهای فارسی و عربی و چینی یا در داستانهای ملی ایران مانده بود. امروز در دل ریگزارهای آسیای مرکزی در چهار طرف واحه خوارزم کنونی زمینهای مسطح فراوانی هست که سابقاً جیحون از آنجا میگذشت و بدریای خزر میرفت و بهمین جهت آنها را اراضی آبیاری قدیم میگویند و پس از قرنهای آبادی دوباره لم یزرع شده است.

درین ناحیه بسترهای نهرهای فراوان و شهرها و قلعه‌ها و ده‌های بی‌شمارست که حکایت از منتهای آبادی میکند و اینک در زیر ریگهای روان باقیست آب و هوای خشک آن ناحیه آنها را سالم نگاه داشته است.

هیئت اعزامی فرهنگستان علوم بریاست پرفسر سرگئی تالسٹوف باستان‌شناس معروف شوروی بسیاری از یادگارهای باستانی خوارزم را کشف کرده و در مدت یازده سال که در آنجا مشغول کار بود نتیجه بسیار مهمی بدست آورده است.

درین مدت گمانه‌های فراوان زده و کارهای مقدماتی بسیار کرده‌اند و در ضمن از

هوایما کاملاً بهره‌مند شده‌اند زیرا در تجربه ثابت شده که در باستان شناسی هوایما وسیله بسیار مؤثریست و میتوان از بالا مجرای نهرها و رودها و حدود آبادیها و شهرها و خیابانها و خانها و قلعه‌ها را کاملاً معلوم کرد و سپس بکوش و حفریات برداخت و بهمین جهت عکس برداری با هوایما کار باستان شناس را بسیار آسان میکند.

مهمترین کارهایی که تا کنون کرده‌اند در مجلیست که اینک بنام توپراق قلعه یعنی قلعه خاک‌کی معروفست و سه تمدن مختلف در زیرشها مدفون شده است. این قلعه قصر قدیم پادشاهان خوارزم بوده که در حدود ۱۵۰ اطاق و انبار و غیره داشته و در آنجا آثار مهمی بدست آمده که تمدن خوارزم را در قرن سوم میلادی روشن کرده است. از جمله چیزهایی که بدست آمده تخمها و هسته‌های گیاهانست مانند ارزن و جو و گندم و انگورو خر بوزه و هلو و زردآلو و غیره و استخوانهای حیوانات اهلی و وحشی و ظرفهای مختلف و پارچه‌های پشمی و نخی و ابریشمی و کفشهای چرمی و طناب و میخ برنجی و زبورهای برنجی و بلور و قلاب کمر بند و تکه‌هایی از قالیها و قالیچه‌های رنگارنگ زیبا و تیرهایی که از چوب و نی ساخته شده و بیکان سه پر آهنین دارد. مقداری هم سکهای مس بدست آمده و مسلم شده که آنچه پیدا شده از قرن سوم و چهارم میلاد است یعنی اواسط دوره ساسانی در ایران. از چیزهای مهمی که بدست آمده نمونه‌هایی از نقاشی و بیکر سازی آن زمانهاست. در بسیاری از این ساختمانها کتیبه‌ها هم پیدا شده و چند صد قطعه نقاشی نیز بدست آمده است از آن جمله است صورت برندگان و ببر و اسب و دختران چنگ زن و زنانی که انگور می‌چینند و نظایر آنها. بیشتر این کتیبه‌ها طرز خاصی دارد و با آنچه در جاهای دیگر یافته‌اند شبیه نیست و این خود میرساند که سرزمین خوارزم در آن زمان مرکز مستقلاً بوده است. در نقاشیهایی که در خوارزم یافته‌اند منتهای تنوع رنگها دیده میشود و تقریباً همه رنگهای ممکن را بکار برده‌اند چنانکه انواع مختلف سرخ و زرشکی و گلی و آبی و کبود و سبز و غیره در میان آنها دیده میشود.

سازگاری و هم‌آهنگی رنگهایی که بکار برده‌اند فکر بلند نقاشان آن دوره را میرساند از آنجمله بنفش کم رنگ مایل بخاکستری و نارنجی مایل بزردی جلوه خاصی دارد و منظره شکار گاه را در سرخ آتشی و گل‌های سوسن سفید و سرخ بسیار زیبا در زمینه آبی سیر و صورت آدم که با سایه روشن گلی در زمینه آبی ساخته‌اند و گیاههای سفید و سرخ و صورت آدم در زمینه سیاه در میان این نقاشیها بسیار جالب توجهست و حتی مهارت نقاش در ترسیم صورتها و حقیقت جوئی که در آنها رعایت کرده است جلوه خاصی دارد. در ۱۹۴۷ نخستین نمونه بیکر سازی را نیز کشف کرده‌اند. در نه طالار که از حفاری بیرون آمده بیش از سی مجسمه از گل خام بدست آمده که رنگهای مختلف داشته و بیش و کم سالم مانده است. بیشتر این مجسمه‌ها که از قامت انسان هم بلندترست در تالار وسیعی پیدا شده و باستان شناسان آنها را تالار شاهان نام گذاشته‌اند. مجسمه‌ها را در طاق نماهای گرداگرد دیوارها جا داده بودند و پیداست که این مجسمه‌ها از پادشاهان سلسله سیاوشی خوارزمست که در قرن سوم میلادی پادشاهی داشته‌اند. کشف این طالار این عقیده را در باستان شناسان شوروی قوت داده که ساختمان معروف به «توپراق قلعه» قصر امیران محلی

نبوده بلکه کاخ پادشاهان خوارزم بوده است ، وسعت ساختمان هم این نظر را تأیید میکند . در بالای دیوارهای تالار در يك ردیف طاقچه مجسمه های دیگری جا داده اند که آنها را نیز رنگ زده بودند و باندازه نصف قد آدم بود و پیداست سپاهیان بوده اند که سلاح و زره های آهنین و سپرهای دراز داشته اند که از تر که های بلند بشکل عمودی بافته اند و از وضع دستهای آنها پیداست که نیزه در دست داشته اند . این سربازان پیاده سنگین اسلحه کلاه های کوتاهی بر سر دارند که دایره آنها بیالا که میرفت گشادتر میشد و کلاههای سربازان ایرانی دوره هخامنشی را در تخت جمشید پیاد می آورد . چیزی که جالب ترست رنگ چهره آنهاست و با آنکه پاسبانان همان پادشاهان خوارزم بوده اند که مجسمه های بزرگشان در این طالار هست چهره آنها رنگ قهوه ای تیره ای بایستی بهم دارد که مخصوصاً پهنی آنها نمایش داده اند و لبهای کلفت هم دارند و تردیدی نیست که این پاسبانان از نژاد سیه چرده بوده اند و چون خلوط سیماشان اندکی ملایم ترست بعضی ها با دراویدیهایی هندونزدیکترند و بهیچ وجه شباهتی در میان آنها و تصاویر پادشاهان خوارزم نیست که کاملاً از نژاد هند و اروپایی بوده اند .

بدینگونه دانشمندان شوروی آگاهی درست از نیروهای جنگی شاهان خوارزم در قرن سوم میلادی بدست آورده اند و پیداست که لااقل یک قسمت از سربازانشان سپاهیان مزدوری بوده اند که از کشورهای دور دست میآمده اند و قطعاً شاهان خوارزم هم مانند بسیاری از پادشاهان کشور های دیگر لشکریان خود را از یگانگان تشکیل میداده و بدینگونه بر ملت خود مستولی میشده اند .

در سال ۱۹۴۸ در ضمن حفريات بیش از سی تالار و اطاق و دالان و حیاط کشف کرده اند و درین قسمت ها مقداری کتیر از آثار مهم صنعت ساختمان خوارزم بدست آمده از آنجمله کتیبه هایی يك پارچه بر روی دیوارها که تا چهار متر ارتفاع دارد . در یکی از تالارها که بقاری دیواری و ستونهایی از آجر تراش دارد در روی پایه های هرمی شکل پله دار نقشهای برجسته ای دیده میشود که شاهان خوارزم را بر روی تخت با جامهای مخصوصشان نشان میدهد ، جامهای آنها عبارتست از قباهائی که چینهای فراوان دارد و شلواری سرخی که بقوزك یا میرسد و کفشهای نوک باریک که بند و سگک های گرد آنها را بقوزك یا می بندد . در دو طرف نقش هر پادشاهی نقش دوزن هست که چینهای جامه شان از هم باز شده و حالت پروانه دارند و قطعاً مراد از آنها السهة پیروز است که در نقشهای دوره ساسانی ایران هم دیده میشود . بهمین جهت پرفسر تالستوف عقیده دارد که قطعاً این نقشها مجلس تاج گذاری شاهان خوارزم را نشان میدهد و همین نقش در روی سکه های اشکانی و پادشاهان محلی خوارزم دیده می شود . پیداست که درین نقشها فتوحات پادشاهان خوارزم را در قرن سوم میلادی مجسم کرده اند و چنانکه پرفسر تالستوف ثابت کرده این دوره بالاترین دوره قدرت و توانائی پادشاهان این سرزمین بوده و در کتیبه پهلوی معروف پای کولی نام پادشاهان خوارزم را با پادشاه کوشان و قیصر روم با هم ذکر کرده اند . وسایل زندگی و اسباب خانه ای که در سال گذشته درین حفريات بدست آمده اهمیت بسیار دارد مخصوصاً اسلحه آن زمان و از آن جمله کمان يك

مترونیمی که با استخوان روی آن مثبت کاری کرده‌اند و بسیار زیباست .

در میان این اشیاء که در ۱۹۴۸ پیدا شده بایگانی پادشاهان خوارزم را هم کشف کرده‌اند که روی چرم و چوب و گاهی هم روی کاغذ نوشته‌اند و حال آنکه کاغذ تنها صد سال پیش از آن اختراع شده بود . این اسناد را در سه اطاق زاویه جنوب شرقی کاخ پیدا کرده‌اند . در یکی از این اطاقها که در ۱۹۴۷ بحفر آن شروع کرده بودند یک تخته کوچک تمویذ مانند پیدا شد که چهار کلمه با مرکب چینی روی آن نوشته‌اند . این کشف راهنما شد که مجموعه مفصلی از اسناد دیگری را هم از زیر خاک بیرون بیاورند . متأسفانه قسمت عمده آن تکه تکه و متلاشی شده و روی هم رفته نزدیک بهفتاد سند بدست آمده است . تنها اندکی از آن اسناد و مخصوصاً آنهایی را که روی چوب بود توانستند از آنجا بیرون ببرند و بقیه را در توی گلهای یک پارچه نواریچ کردند و لاک گرفتند و یساجچ گرفتند و بیرون آوردند و اینک با کمال دقت و احتیاط مشغول پاک کردن و تجزیه آنها هستند و با اینهمه نتایج خوب گرفته‌اند چنانکه نزدیک بیست سند از آنها را بوسایل علمی از اینک از هم باشیده‌شوند نجات داده‌اند و نخستین قدم را در خواندن و کشف خطوط آنها برداشته‌اند . دلایل بسیاری ثابت میکند که این اسناد از طبقه بالا که اکنون هم هست بطبقه پایین ریخته و از استقرار بایگانی قصر در آن بالا بوده و چون یکی از اطافتهائی را که اسناد در آن هست هنوز کشف نکرده‌اند و در اطراف آنها جاهائی هست که هنوز ننگه‌اند میتوان حدس زد که هنوز هم اسناد بدست نیامده و در آینده چیزهای دیگر هم پیدا خواهد شد . قسمت عمده از این اسناد قطعاً سیاهه و صورت حسابست و بعضی از آنها همی که روی چوب نوشته‌اند تقویم و یادداشت‌های روزانه هست و همین موضوع خود بخواندن اسناد دیگر کمک میکند همه این اسناد بخط خوارزمیست که همان خط آرامی قدیم باشد که در دوره اشکانیان و ساسانیان در ایران معمول بوده است . البته نمیتوان معین کرد که این اسناد تا کی خوانده خواهد شد ولی دانشمندان شوروی مفتاح این کار را که عبارت از دانشتن حسروف الفبا باشد بدست دارند و بدین وسیله قطعاً بهمین زودبها آنها را خواهند خواند .

باستان شناسان شوروی بوسیله این آثار مهمی که از زیر خاک بیرون آورده‌اند توانسته‌اند کلیات تاریخ تمدن و فرهنگ قدیم خوارزم را معلوم کنند و در ضمن آشکار کنند که چگونه این تمدن و فرهنگ از مراحل بدوی وارد تمدن ایلیاتی شده و چگونه اصول بردگی و ملوک‌الطوایف درین سرزمین پدید آمده است . بوسیله این مطالعات نیز معلوم کرده‌اند که پیش از استیلای تازیان بر آسیای مرکزی در قرن اول هجری اصول بردگی در آن نواحی کاملاً ریشه گرفته بود . در ضمن این دانشمندان ثابت کرده‌اند که مردم این ناحیه در نتیجه آفات ارضی و سماوی ازین سرزمین رحلت نکرده و بجای دیگر نرفته‌اند بلکه بواسطه علل اجتماعی و بیشتر بواسطه استیلای تازیان برین ناحیه ، سرزمین خود را ترک کرده‌اند . نکته دیگری که باستان شناسان شوروی درین ناحیه مطالعه کرده‌اند روابط نژادی و مدنی ملل خوارزم با ملل اروپای شرقیست .

(قسمت دیگر مقاله «در سرزمین سند» در شماره بعداست.)